

روزنه

چرا روس‌ها کنترل چرنوبیل را به دست گرفتند؟

گرایم مسی - کارشناس روسیه

● بدترین فاجعه هسته‌ای جهان اینجا رخ داده و اکنون مقام‌های اوکراینی می‌گویند منطقه اطراف راکتور هسته‌ای چرنوبیل تحت کنترل روسیه است. به گزارش ایندپیندنت، راکتور چرنوبیل در آوریل ۱۹۸۶ در جریان آزمایشی ذوب شد و بخش اعظم اروپا را یک ابر رادیواکتیو فرا گرفت. آن زمان اوکراین بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بود و تا به امروز، یک منطقه ممنوعه ۲۰ مایلی کاملاً محافظت‌شده اطراف این محل وجود دارد که در آن مواد هسته‌ای بسیار خطرناکی مدفون است. پس چرا ولادیمیر پوتین تصاحب و کنترل این منطقه با پیشروی نیروهایش را در اولویت قرار داده است؟ به احتمال زیاد به‌دلیل موقعیت جغرافیایی آن است نه خود منطقه. چرنوبیل در شمال اوکراین، در چند مایلی داخل مرز بلاروس و حدود ۸۰ مایلی شمال کی‌یف، پایتخت این کشور، واقع شده است. جولیت کایم، تحلیلگر سی‌ان‌ان و کارشناس امنیت ملی، در تویییت نوشت: «چرنوبیل کوتاه‌ترین مسیر از روسیه به کی‌یف است. هدف تأسیسات چرنوبیل نیست». یک جاده اصلی وجود دارد که این منطقه را به کی‌یف وصل می‌کند؛ بنابراین می‌توان آن را محلی برای استقرار نیروها و تجهیزاتی در نظر گرفت که در سمت مرز بلاروس ساخته شده‌اند. به‌دلیل ماهیت منطقه، شاید بعید باشد که تجهیزات اتیارشده در نزدیکی محل، هدف بمباران یا آتش توپخانه قرار گیرد. ناظران اوکراین به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که چرنوبیل سمت غرب رودخانه پریپات قرار دارد و در سمت در شمال کی‌یف، با رودخانه دنیپر یکی می‌شود؛ بنابراین این محل برای جناح غربی نیروهای روس، در صورتی که در نهایت شهر را محاصره کنند، اهمیت راهبردی پیدا می‌کند. به گفته دیگر ناظران، روسیه قصد دارد کنترل پست برق چرنوبیل را به دست بگیرد که انرژی بلاروس و بخش‌هایی از غرب روسیه را تأمین می‌کند. شین پارتلو که پیش‌تر در سفارت آمریکا در کی‌یف کار می‌کرد، در تویییت نوشت: «تحلیل من این است که هدف از حفظ منطقه چرنوبیل، کنترل پست برق آنجاست که برای تأمین برق منطقه ازجمله بلاروس، و روسیه بسیار مهم است. من این را وقتی در سفارت دیپلمات بودم، در مصاحبه با مهندسان آنجا متوجه شدم».

رود به منطقه ممنوعه

همچنین سی‌ان‌بی‌سی در گزارشی می‌نویسد: بعدازظهر پنجشنبه، نیروهای مسلح روسیه وارد منطقه ممنوعه متروکه اطراف نیروگاه چرنوبیل شدند؛ جایی که بدترین حادثه هسته‌ای جهان در سال ۱۹۸۶ رخ داد. به گفته دنیز شمیخال، نخست‌وزیر اوکراین، شب‌هنگام نیروهای روسیه کنترل کامل منطقه ازجمله خود نیروگاه را به دست گرفتند. درگیری شدید در داخل منطقه ممنوعه متروکه که یک زمین وسیع و خالی در اطراف نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل است، ازجمله شهر ارواح «پریپات»، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند که می‌تواند جرقه فاجعه هسته‌ای دیگری را به وجود بیاورد. رافائل ماریانو گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که با نگرانی زیاد وضعیت را شاهد است، خواستار حاکمتر خویشتن‌داری در بجموبه درگیری‌ها برای جلوگیری از به‌خطر افتادن تأسیسات هسته‌ای شده است. میم موسو، استاد دانشگاه در علوم بیولوژیکی در دانشگاه کارولینای جنوبی که بیش از ۲۰ سال است مسئله چرنوبیل را مطالعه می‌کند، می‌گوید: خود راکتور تخریب‌شده در سال ۲۰۱۹ در زیر یک پانگاهه طاقی‌شکل به ارزش دو میلیارد دلار، یک سازه فلزی به اندازه استادیوم که روی آن ساخته شده بود، پنهان شده، اما سه راکتور دست‌نخورده دیگر به‌طور کامل در معرض دید قرار گرفتند. اگر موشک‌ها در نزدیکی راکتور شماره ۴ اصابت کنند، جایی که هنوز مقداری از مواد رادیواکتیو وجود دارد با تأسیساتی که سوخت مصرف‌شده اتمی ایجاد شده است در آنجا کثیف‌تری می‌شود، می‌تواند به اینجند یک غبار اتمی رادیواکتیو تبدیل شود که در سراسر منطقه گسترش می‌یابد. او می‌گوید: همچنین، منطقه اطراف نیروگاه پرترواترین مکان روی کره زمین است. این مسئله همراه با شرایط «جعبه آتش‌افکن» ناشی از آتش‌سوزی‌های شدید جنگل‌ها در سال‌های اخیر، می‌تواند به آتش‌سوزی‌های سریع جنگلی اجازه دهد تا آیرئوتوب‌های پرتروزا را به جو بازگرداند و دوباره آن در اطراف منتشر کنند. حضور نیروهای روسی در چرنوبیل یک نشانه نگران‌کننده دیگر برای اوکراین است، چراکه آنها اکنون حدود یک ساعت با پایتخت فاصله دارند. نیروهای ویژه روسیه همچنین توانسته‌اند تا وجود درگیری‌های شدید، یک فرودگاه نظامی کلدی - در فاصله ۲۰ مایلی از مرکز شهر کی‌یف حفظ کنند. نخست‌وزیر اوکراین همچنین گفت: متأسفانه، باید به اطلاع عموم برسانیم که منطقه چرنوبیل -به‌اصطلاح منطقه ممنوعه- و تمامی نیروگاه برق اتمی چرنوبیل به دست گروه‌های مسلح روسیه افتاده است. اوایل روز پنجشنبه و پیش از اقدام نیروهای روسی در به‌دست‌گرفتن کنترل چرنوبیل، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین در تویییت نوشت، نیروهای اوکراینی در حال نبرد هستند و برای اجتناب از به‌وقوع‌پیوستن یک فاجعه دیگر چرنوبیل جان خود را فدا می‌کنند. او بعد از تصرف چرنوبیل نیز نوشت: این اعلان جنگ علیه سراسر اروپاست.

اوکراین از زمان حمله نازی‌ها در سال ۱۹۴۱ چنین تهاجمی را به خود ندیده بود؛ در نهایت این ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه بود که در میان بی‌تحرکی اروپا، سکوت رهبران خاورمیانه و رفتار منفعلانه ایالات متحده، از زمین و هوا به شهرهای مختلف اوکراین حمله کرد. آن‌طور که رسانه‌های خبری مهم جهانی ازجمله سی‌ان‌ان، روتترز، خبرگزاری فرانسه و... در لحظه تنظیم این گزارش مخابره کرده‌اند، تانک‌های روسی به کی‌یف، پایتخت اوکراین، رسیده‌اند و پوتین برخلاف آنچه همچنان بر آن تأکید می‌کند، کی‌یف را به چنگ آورد. حملات از صبح روز پنجشنبه با فرمان رئیس‌جمهوری روسیه که آن را «عملیات ویژه» خواند، آغاز شد و همچنان و بدون وقفه ادامه دارد و این در حالی است که هم اروپا، هم آمریکا و حتی ناتو بر این نکته تأکید می‌کنند که به اوکراین کمک نظامی نخواهند کرد و تنها به اعمال تحریم‌های بیشتر اکتفا کردند؛ سیاستی که بارها نشان داده است که مانع کشورگشایی تزار روس نخواهد بود. خبرگزاری فرانسه گزارش داد که در روز دوم تهاجم سراسری روسیه به اوکراین، سحرگاه جمعه صدای دو انفجار مهیب در کی‌یف به گوش رسید و پس از آن طبق تصاویر منتشرشده، تانک‌های روسی در خیابان‌های این شهر به چرخش درآمدند. در همین حال، تصاویر دیگر نشان می‌دهد که شهروندان اوکراینی به غیر از مردان ۱۸ تا ۶۰ سال

که حق خروج از شهر را ندارند، در حال ترک پایتخت هستند. سازمان ملل تخمین می‌زند تاکنون بیش از صد هزار نفر از خانه‌هایشان گریخته‌اند و هزاران نفر با عبور از مرز وارد مولداوی و رومانی شده‌اند. فرماندهی ارتش اوکراین هم در صفحه فیس‌بوک خود اعلام کرد کی‌یف مورد حملات موشکی قرار گرفته و سامانه دفاع هوایی این شهر دو موشک روسی را منهدم کرده است. از سویی آناتول کیراشچینکو، دستیار وزیر کشور اوکراین، صبح جمعه در کانال تلگرامی خود نوشت: «حملات روسیه به کی‌یف با موشک‌های کروز و بالستیک از سر گرفته شده است». پیش‌تر مقامات آمریکایی به مجله «نیوزویک» گفته بودند احتمالاً کی‌یف تنها چند روز پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین سقوط خواهد کرد و مقاومت‌ها در برابر هجوم روس‌ها پس از آن عملاً متوقف خواهد شد که طبق گزارش‌ها این اتفاق زودتر از آنچه آمریکا و متحدانش تصور می‌کردند، به وقوع پیوست.

نظاره‌گران منفعل

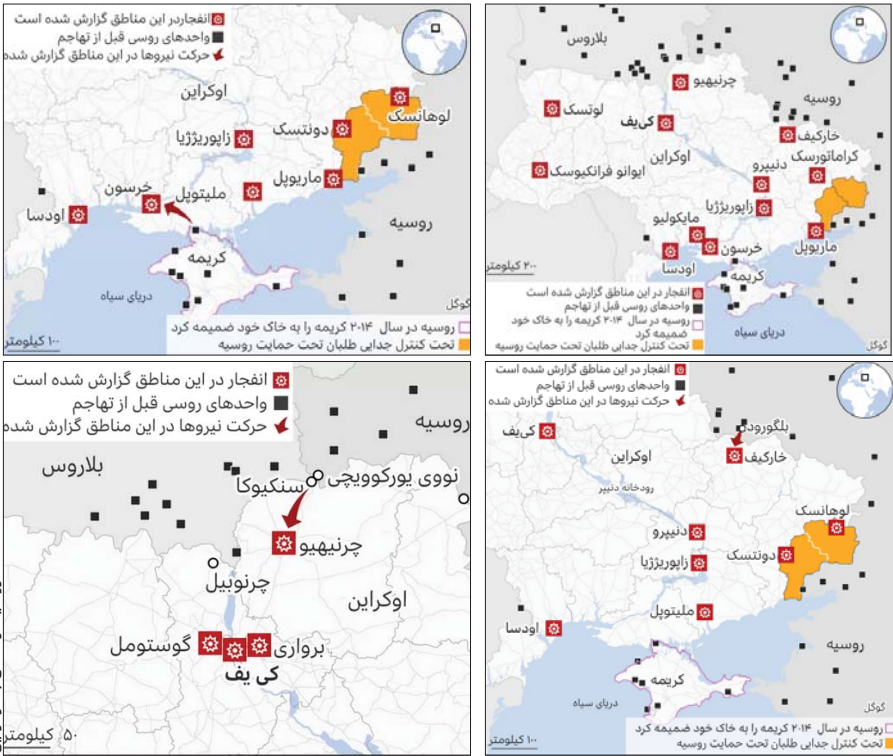
در چنین فضایی، جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، به همراه متحدانش در اتحادیه اروپا مانند امانوئل مکرون، همتای فرانسوی‌اش و اولاف شولتس، صدراعظم آلمان و دیگر رهبران غربی در حال تماشای مانور جنگی پوتین هستند، مانوری که تا لحظه تنظیم این گزارش حدود ۲۰۰ کشته و بالغ بر ۳۰۰ زخمی بر جای گذاشته و نقض صریح منشور سازمان ملل متحد است، مکرون که تا پیش از حمله به اوکراین، بارها با

ناتو، مهم‌تر از هر زمان

بحران اوکراین و تجاوز روسیه به این کشور، جهان را به همان سیاهچاله تاریخی در اگوست ۱۹۱۴ بازگرداند. آن روزها جنگ جهانی اول ازجمله نبردهای زمینی عظیم بین آلمان و روسیه و همچنین خونین‌ترین جبهه جنگ جهانی دوم در شرق و باز هم میان آلمان و روسیه در جریان بود. سال‌ها بعد و در دوران جنگ سرد، اروپای غربی و ایالات متحده با روسیه در پوشش اتحاد جماهیر شوروی روبه‌رو شدند و اکنون هم اروپا و آمریکا بار دیگر با روسیه روبرو شده‌اند. اندکی پیش از یک قرن پیش، هنری آدامز، مورخ برجسته آمریکایی، به‌درستی مشکل اصلی اروپا را روسیه می‌دانست و تأکید داشت که این چالش تا دهه‌های بعد هم برقرار خواهد بود. آدامز معتقد بود اروپا و آمریکا باید راهی برای ادغام روسیه در «اتحاد دو سویی اقیانوس آتلانتیک» پیدا کنند. با گذشت حدود یک قرن، هنوز هیچ چیز به معنای واقعی کلمه تغییر نکرده است. مایکلورد مکیندر، جغرافی‌دان بزرگ بریتانیایی، در مقاله معروف خود در سال ۱۹۰۴ با عنوان «محور جغرافیایی تاریخ» تأکید کرد محوری که سرنوشت ژئوپلیتیک جهان بر آن استوار است، «هارتلند» یا همان منطقه مرکزی «براقاره اوراسیا» است که به‌طور ساده به‌عنوان منطقه اوکراین شناخته می‌شود؛ منطقه وسیعی که عموماً بین حوزه نفوذ اروپا و روسیه قرار دارد. مکیندر در کتاب خود با عنوان «آرمان‌های دموکراتیک و واقعیت» در سال ۱۹۱۹ اعلام کرد که نبرد بین آلمان و روسیه و در نتیجه بین اروپای مرکزی و روسیه تنها محدود به جنگ جهانی اول نمی‌شود و با این اظهارات، عملاً جنگ جهانی دوم و حتی سرد را پیش‌بینی کرد. در این نظریه اروپا و آمریکا شمالی نقش‌تعیین‌کننده این مهار روسیه ایفا می‌کنند. اما این تمام ماجرا نیست. نیکلاس اسپایکمن، متفکر و استراتژیست بزرگ هلندی-آمریکایی در حوزه ژئوپلیتیک، نظریه مکیندر را گسترش داد. اسپایکمن در سال ۱۹۴۲، مسئله‌ای را مطرح کرد که به‌عنوان «تر ریملند» شناخته شد که نشان می‌داد به جای مرکز داخلی ابرقاره اوراسیا، این سواحل و حومه اوراسیا -عمدتاً اروپا و شرق آسیا- است که اساس قدرت ژئوپلیتیکی را تشکیل می‌دهد. اگر این دو نظریه را کنار هم بگذاریم، این‌گونه با بحران فعلی روبه‌رو خواهیم شد: رورایونی آمریکای شمالی و آسیای شرقی در مقابل چین و روسیه، قدرت‌های بزرگ آسیای داخلی بر سر اروپا به‌عنوان محور و نقطه اشتعال این رقابت بزرگ. این رقابت از سال ۱۹۱۴ جریان

ولادیمیر پوتین پس از ماه‌ها تهدید، شهرهای اوکراین را زمینی و هوایی گلوله‌باران کرد

کشور گشایی خونین تزار



پوتین رازینی کرده بود و حتی پشت میز دراز پوتین در کاخ کرملین نشسته بود، بار دیگر با رهبر کاخ کرملین تلفنی گفت‌وگوی کوتاهی داشت و باامداد جمعه پس از نشست بحران اتحادیه اروپا در بروکسل گفت: در این گفت‌وگو که به درخواست ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، انجام شد، او از پوتین خواست تا هرچه سریع‌تر به درگیری‌ها در اوکراین پایان دهد؛ اما این تماس بی‌نتیجه بود. زلنسکی خود را هدف شماره یک مسکو و خانواده‌اش را هدف شماره دو توصیف می‌کند و قسم خورده است که کی‌یف را ترک نمی‌کند. طبق گزارش‌ها او و خانواده‌اش در مکانی مخفی هستند.

او از تحریم‌های اعمال‌شده از سوی غرب علیه مسکو انتقاد کرد و آن را ناکافی دانست و به‌درستی بر این باور است که جامعه جهانی تنهاظراکمرگ چیزی است که در اوکراین می‌گذرد. اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه روسیه وضع کرده، اما حذف روسیه از شبکه ارتباطات بانکی موسوم به «سوئیفت» و ممنوعیت صادرات ازجمله گاز در این تحریم‌ها پیش‌بینی نشده‌اند. در همین حال، محافل اتحادیه اروپا به خبرگزاری آلمان گفته‌اند این احتمال هست که در زمانی نزدیک‌ترسری روسیه به سیستم ارتباطات بانکی سوئیفت مدسود شود و روسیه نیز ارسال گاز به اتحادیه اروپا را متوقف کند. بر اساس داده‌های اتحادیه اروپا، هم‌اکنون کنسرن دولتی کارپوم ۴۰ درصد حجم گاز مصرفی در اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند. همچنین جو بایدن «تحریم‌های سخت» جدید علیه روسیه را اعلام کرد و گفت این اقدامات سیستم

تحریم بی‌نتیجه غرب و الیگارش‌ی روسیه

اکنون که روسیه به اوکراین حمله کرده است، غرب باید در رویکرد خود در قبال تحریم‌ها علیه حکومت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، تجدیدنظر کند و این کشور به کشوری منزوی تبدیل شود. به جای اعمال این‌گونه تحریم‌ها نه‌چندان آزادنده، باید شرایط برای زندگی ولادیمیر پوتین و حامیانش دشوار شود. ایجاد یک پرده آهنین جدید که کرملین را در سطح جهانی منزوی می‌کند، حتی با وجود هزینه‌های در‌خور توجهی برای غرب، می‌تواند نشان دهد که تجارت روسیه با جهان بیرون باید کاملاً مختل شود و غرب برای این کار چند روزی بیشتر فرصت ندارد. قبل از حمله روسیه به اوکراین در صبح پنجشنبه، آمریکا و اروپا سیاست تشدید تدریجی تحریم‌ها را علیه مسکو دنبال می‌کردند. آلمان در واکنش به به‌رسمیت‌شناختن دو جمهوری جعلی در دونباس از سوی کرملین، صدور گواهینامه به‌ره‌برداری از خط لوله گاز استریم۲ را متوقف کرد که پیامدی طبیعی اما دیرهنگام بود و ایالات متحده هم دارایی‌های دو بانک دولتی روسیه را مسدود و محدودیت‌هایی را بر بدهی‌های دولتی روسیه اعمال کرد. این اقدامات عجیب نبود که هم ارزش روبل روسیه و به قیمت سهام روسیه پس از سخنرانی جو بایدن، رئیس‌جمهوری روسیه، برای اعلام «نخستین فاز» تحریم‌های آمریکا علیه مسکو افزایش یافت؛ اما همچنین تعجب‌آور نبود که این تحریم‌ها و تهدید به تشدید بیشتر آنها نتوانست پوتین را از حمله منصرف کند و باعث عقب‌نشینی روسیه از اوکراین شود. اما چه اقداماتی می‌تواند منجر به توقف تجاوز روسیه به خاک اوکراین شود؟ آنچه امروز پوتین در اوکراین انجام می‌دهد، به دلیل انفعال غرب از سال ۲۰۰۸ تاکنون است. پوتین از زمان جنگ علیه گرجستان در سال ۲۰۰۸، بی‌پرواثر و جسورتر شده و این امر را در هر مقطعی ثابت کرده است. در سال‌های گذشته حمایت او از حکومت بشار اسد در سوریه، الحاق کریمه به خاک روسیه و همچنین آغاز جنگ داخلی در شرق اوکراین با حمایت از شبه‌نظامیان تحت فرمان خود، با هیچ واکنش جدی از سوی غرب روبه‌رو نشد. آخرین دور تحریم‌هایی که علیه روسیه اعمال شده، با واکنش قبلی غرب در قبال مسکو مطابقت داشت و تنها در لفاظی تحریم‌هایی سنگین و فلج‌کننده بود؛ اما در واقعیت نتوانست دردرس چندانی برای الیگارش‌های روسیه ایجاد کند. در تئوری، منطق این رویکرد افزایش تحریم‌ها در نظر می‌رسید؛ زسرا غرب می‌خواست در واکنش به

جهان

نگاه

فریب یک رئیس‌جمهوری زلنسکی تنها ماند

محمدعلی عباسی - کارشناس افغان

● ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، اوایل صبح ۲۵ فوریه گفت کشورش در مبارزه با روسیه تنها مانده است. او در یک نقط تلویزیونی خطاب به مردم اوکراین گفت: ما برای دفاع از دولت‌مان تنها گذاشته شده‌ایم؛ «کسی آماده است که در کنار ما بجنگد؟ من کسی را نمی‌بینم. چه کسی آماده است که به اوکراین تضمین عضویت ناتو را بدهد؟ همه می‌ترسند».

این صحبت‌ها در حالی از طرف رئیس‌جمهوری اوکراین مطرح می‌شود که همه می‌دانستند اگر تهاجمی از طرف روسیه علیه اوکراین انجام شود، هیچ کشوری حاضر نخواهد شد در کنار کی‌یف بایستد؛ اما تنها کسی که این را نمی‌دانست، شاید خود زلنسکی بود. کشورهای غربی به خوبی می‌دانند اگر عملاً در اوکراین دخالت کنند، درگیر جنگی خواهند شد که برنده‌ای نخواهد داشت و هر دو طرف بازنده خواهند بود؛ شاید به بهای نابودی اروپا و دنیا. حمله روسیه به اوکراین یک چیز را خوب روشن کرد؛ اینکه در این بحران، آمریکا و کشورهای اروپایی فقط حرف زدن و تهدید کردند و این روسیه بود که عمل کرد و دست به ریسک خطرناکی زد. البته واضح است که اگر روسیه امروز این کار را نمی‌کرد، شاید در آینده باید دست به بازی خطرناک‌تری می‌زد.

بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، همواره مترصد فرصتی بود که قدرت خود را به رخ دنیا بکشد. در واقع ایده جهان تک‌قطبی زمان زیادی دوام نیافت و این بار روس‌ها با حمله به اوکراین نشان دادند توانایی‌های بالقوای دارند که می‌تواند آنها را به‌عنوان یک قطب برتر دنیا مطرح کند. البته این بار در همراهی و توافق با چین که مترصد فرصتی است که خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های برتر دنیا نشان دهد. چین هم ابزار اقتصادی و هم ابزار سیاسی برای مطرح‌شدن به‌عنوان یکی از قدرت‌های برتر دنیا را دارد، ولی به خوبی می‌داند که به‌تنهایی نمی‌تواند؛ اما در کنار روسیه می‌تواند و با استفاده از توانایی نظامی آن می‌تواند به‌عنوان قدرت‌های مکمل عمل کند و در مقابل زاده‌خواهی‌های آمریکا بایستد.



در ۲۰ سال گذشته آمریکایی‌ها سه لشکرکشی بزرگ اما شکست‌خورده داشته‌اند؛ افغانستان، عراق و سوریه. در هر سه کشور، آمریکا با وجود هزینه‌های بسیاری که کرد، به اهدافی که داشت، دست پیدا نکرد و از همه رقت‌بارتر خروج از افغانستان بوده؛ اما در سوی دیگر روسیه در عملیات‌های برون‌مرزی موفق عمل کرد؛ در سوریه توانست حکومت بشار اسد را ماندگار کند و داعش را شکست بدهد، در اوکراین در تهاجم اول شبه‌جزیره کریمه را ضمیمه خاک خود کرد و در سرکوب اعتراضات مردمی در بلاروس و قزاقستان به دولت‌های مرکزی این کشورها کمک کرد و نشان داد که بقایای امپراتوری روس از زیر خاکستر اتحاد جماهیر شوروی در حال جان‌گرفتن است.

زلنسکی در محاسباتش اشتباه بزرگی را مرتکب شد و این باعث شد که طرف ۲۴ ساعت تمام زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی کشورش نابود شود و رؤیای پیوستن به ناتو و غرب باعث شد در مقابل تهاجم روسیه تنها بماند. اوکراین چنین اشتباهی را در سال ۲۰۱۴ مرتکب شد و دید که غرب و آمریکا نتوانستند در مقابل روسیه هیچ کاری انجام دهد؛ اما اینکه دوباره در چنین دامی افتاد، باعث تعجب است. تهدیدات سران آمریکا و اروپا در حد تهدید باقی خواهد ماند و آنها همچنان به محکوم‌کردن روسیه ادامه خواهند داد و تنها ابزاری که در اختیار دارند، تحریم روسیه است و بس. اما این تحریم چی دردی را از مردم اوکراین درمان خواهد کرد؟ مشخص است که هیچ.

مشخص است که این جنگ تبعات وحشتناکی را برای اوکراین و مردم آن بر جا خواهد گذاشت و تجربه تلخی را از کشتار و ویرانی تحمل خواهند کرد و اینکه آمریکا و کشورهای غربی در مقابل تهاجم روس‌ها از آنها حمایت کنند، بدترین امیدی بود که داشتند و به یاس تبدیل شد. شاید این درسی باشد برای دیگرانی که می‌خواهند جا پای اوکراین بگذارند؛ اما هرچه باشد، تجربه‌ای شد که برای نابودی یک کشور که گرفتار فریب یک رئیس‌جمهوری شد و فریب رئیس‌جمهوری تبدیل به یک خاطره تلخ و ماندگار یک ملت خواهد شد.